

خط بهشتی

ماهنامه نشریه خط بهشتی
حوزه بسیج دانشجویی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری
شماره بیست و هشتم / مرداد ۱۴۰۳

راه کرملیلاز قدس می‌گذرد...



شناسنامه کار

بیست هشتمین ماهنامه نشریه خط بهشتی حوزه بسیج دانشجویی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

حوزه بسیج دانشجویی دانشگاه علوم
قضایی و خدمات اداری

صاحب امتیاز

محمد مهدی شکرچی زاده (دانشجوی
کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه
علوم قضایی)

مدیر مسئول

محمد سعید رحیم پور خطبه سرا
(دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق
عمومی دانشگاه علوم قضایی)

سر دبیر

محمد سعید رحیم پور خطبه سرا
(دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق
عمومی دانشگاه علوم قضایی)
محمد مهدی شکرچی زاده (دانشجوی
کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه
علوم قضایی)

هیئت تحریریه
(به ترتیب حروف الفبا)

مهدی کردی (دانشجوی کارشناسی ارشد
حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه علوم
قضایی)

سهیل نجاری (دانشجوی کارشناسی علوم
قضایی دانشگاه علوم قضایی)

آرش وثاقتی جلال (دانشجوی کارشناسی
ارشد حقوق خصوصی دانشگاه علوم
قضایی)

امیرمسعود حاجی محمودی (دانشجوی
کارشناسی ارشد حقوق خصوصی
دانشگاه علوم قضایی)

ویراستاران

محمد حسین زاده جلیل (دانشجوی
کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه
علوم قضایی)

محمد مهدی مانده علی (دانشجوی
کارشناسی علوم قضایی دانشگاه علوم
قضایی)

محسن نجیبی (دانشجوی کارشناسی
پرستاری علوم پزشکی تبریز)

طراح جلد

فاطمه آمری راد (دانشجوی دکتری
عمومی پزشکی قم)

صفحه آرا



فهرست





دردکشانِ مسیرِ عاشقی

نویسنده: محمدحسن قاسمی
دانشجوی کارشناسی علوم قضایی دانشگاه علوم قضایی
و خدمات اداری



عشق را، جز در گریه‌های عاشقان برای رسیدن به معشوق، نشنیدم دلدادگی را، جز با تمنای دلدادگانش برای رساندن سلام‌شان به دل‌داده، نخواستم شکستن دل را جز در آن موقع که به حرمش برسیم و بخوایم که دلم را بشکند تا به مانند مجنون، بفهمم که او نیز مرا می‌خواهد.

اینجا فرقی ندارد که رنگ پوستت چه باشد یا به چه زبانی تکلم می‌کنی یا حتی چه مذهبی داشته باشی، اینجا فقط کافی است تا عاشق باشی، همین عظمت این حرکت است که مرا به یاد سخن آیت‌الله بهجت (ره) می‌اندازد که فرموده بودند: «امام‌زمان (عج) پس از ظهور، خود را به واسطه امام حسین (ع) معرفی می‌کنند.» (ن.ک: سایت جهان نیوز، به نقل از حسین خان‌بابازاده) والا این مغناطیس چیست که جهانیان را به تعجب وا می‌دارد و سبب می‌شود تا دشمنان حسینی نیز زبان به اعتراف گشایند که این حرکت عظیم و این جاذبه مغناطیسی چگونه تمام نقشه‌های آنان را خراب می‌کند تا انسان، بتواند کمی از آن دنیای کثیف بیرون آید و توسط این سیل، روحش جلا یابد و تمیز شود.

چون به آن جایگاه مقدس رسیدیم، کفش‌های خویش را بیرون می‌آوریم و در حالی به سر می‌بریم که نتوان وصف آن را گفت. زیرا که فهم از آن عاجز و زبان از گفتن آن عاجز است، وارد صحن شده و جمعیت عظیم عشاق را مشاهده می‌کنیم و تکیه به دیوار زده، با چشمانی که اشک، برایش تحفه‌ای است، با خود تکرار می‌کنیم: «این حسین کیست که عالم همه دیوانه اوست / این چه شمع است که جان‌ها همه پروانه اوست»
یا حسین (ع)

مطمئنم که مبدأ شکل‌گیری داستان‌های عاشقانه از داستان اربعین شروع شده و گرنه چه چیزی ممکن است که این پروانه‌ها را به سوختن در نورحسینی تشویق دارد، نوری را که ددانی همچون متوکل، صدام و دیگر حکام ظالم، تاب دیدن آن را نداشتند و می‌خواستند که آن را خاموش سازند ولی ندانستند خداوند از آنان مگارت‌تر است و مجنون‌هایی می‌سازد تا برای لیلی خویش، خار مغیلان که سهل است، حتی جان‌های خویش را نیز فدا سازند و قدم در راه جابر و عطیه گذارند. (ن.ک: طوسی، مصباح‌المجتهد، ص ۷۸۷؛ قمی، سفینه‌البحار، ج ۸، ص ۳۸۳)، به راستی که من دلم تنگ است و هر سازی که می‌بینم بدآهنگ است و کیست که بخواهد چونان من، قدم در این راه بی‌برگشت بگذارد و ببیند که آسمان آنجا چه رنگی خواهد بود.

راهمان شاید باز باشد ولکن در این جاده هیچ‌گاه دراز نخواهد شد، زیرا که این مسیر، مسیر شکستن نفسانیت خویش است، مسیر این است که انسان را از غرق شدن در دریای بی‌عمق ناسوت بیرون بکشاند و او را به جبروت و لاهوت رساند، به او بفهماند که سعادت در پول و مادیات نیست، که اگر بود، این مواکب به وجود نمی‌آمد، که اگر مادیات سبب خوشبختی انسان می‌شد، هیچ‌گاه کودک عراقی جلویت را نمی‌گرفت تا پایت را بشوید یا تو را به خانه‌شان ببرد. الحق که عشق حسین (ع) همان‌گونه می‌کند که خدا با موسی (ع) کرد، چونان کشتی، او را از غرق شدن در معصیت نگاه می‌دارد و با عشقش چونان به او شیر می‌دهد که دیگر عشق‌های زمینی را نخواهد پذیرفت. در این راه چه می‌بینیم؟ عشق را. چه می‌شنویم؟ دلدادگی را. چه می‌خواهیم؟ شکستن دل را. به راستی که ندیدم



شرط بلاغ (بررسی انتظارات اساسی از رئیس جمهور و دولت چهاردهم)

نویسنده: محمدسعید رحیم پور خطبه سرا
سردبیر نشریه خط بهشتی و دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق
عمومی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری



۱۲۱ قانون اساسی آمده است، در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران سوگند یاد کرد. پس از آغاز به کار پزشک‌های به عنوان رئیس جمهور، گمانه زنی‌ها درباره کابینه احتمالی او نیز آغاز شد. اما رئیس جمهور سازکاری را با نام شورای راهبری ابداع نموده و این شورا که برخی افراد غیرمرتبط و مسئله‌دار را نیز در خود جای داده بود، با تشکیل کمیته‌ها و کارگروه‌های مختلف و براساس معیارهایی که بعضاً ناصواب و حاشیه آفرین بودند، به چینه‌های کابینه پرداخت که اکثر وزرای پیشنهادی نیز از میان گزینه‌های این شورا انتخاب شدند. پس از اعلام رسمی کابینه نیز هم حامیان و هم رقبای انتخاباتی پزشک‌های در موافقت یا مخالفت با کابینه پیشنهادی به اظهارنظر پرداختند. در این نوشتار سعی خواهد شد تا فارغ از نقاط قوت و

رئیس جمهور جدید مدتی است که کار خود را رسماً آغاز نموده است. دکتر مسعود پزشکیان در تاریخ ۱۵ تیر ۱۴۰۳ در انتخابات دومرحله‌ای و زود هنگام ریاست جمهوری که در پی شهادت رئیس جمهور سابق حضرت آیت الله رئیسی (ره) برگزار شد و در دور دوم آن، حدود نیمی از واجدین شرایط رأی دهی به پای صندوق‌های رأی آمدند در فضایی دوقطبی و در شرایطی که شاید کمتر کسی در روزهای آغازین فرآیند انتخابات ریاست جمهوری احتمال پیروزی او را می‌داد، به عنوان منتخب مردم شناخته شد. حدود سه هفته بعد و در مراسم تنفیذ که در حسینیه امام خمینی (ره) برگزار شد، مطابق با اصل ۱۱۰ قانون اساسی، رهبر انقلاب، پزشکیان را به عنوان رئیس جمهور منصوب نمود. دو روز بعد و در ۹ مرداد نیز پزشکیان در مراسم تحلیف در مجلس شورای اسلامی حاضر شد و برابر با آنچه در اصل

که دارای تعصبات قومی، مذهبی و جناحی، روحیات تمامیت‌خواهی و رویکرد حذفی هستند و یا دخیل در اقدامات خلاف منافع و مصالح ملی همچون فتنه ۸۸ - و اتفاقات مشابه - که نمونه تمام عیار وحدت شکنی و دوقطبی سازی در جامعه و شورش علیه جمهوریت و اسلامیت نظام می‌باشد و آثار سوء آن همچنان نیز گریبان‌گیر مملکت و ملت است، بوده و هیچ‌گاه به دنبال جبران خطاهای خود نبوده‌اند، دوری نماید و از ظرفیت افرادی استفاده نماید که ضمن برخورداری از تخصص و تعهد، دارای نگاه ملی برای پیشبرد امور کشور و خدمت به عموم مردم باشند.

عدالت‌خواهی و قانون‌گرایی

به گواه آیات قرآن کریم، برقراری عدالت یکی از اهداف بعثت پیامبران است^۱ و در طول تاریخ، انبیاء، ائمه و اولیای الهی، جان خود را در مسیر برقراری نظامی الهی و بر پایه عدالت، فدا نموده‌اند.

عدالت در نظام جمهوری اسلامی به عنوان داعیه‌دار حکومت اسلامی و علوی نیز دارای جایگاه ویژه و همواره مورد تاکید امامین انقلاب بوده است گرچه همان‌گونه که رهبر انقلاب بیان نموده‌اند، در این مقوله بسیار مهم دچار عقب ماندگی هستیم.^۲ آقای پزشکیان نیز به عنوان فردی عدالت‌خواه شناخته شده و می‌شوند و در ایام انتخابات و پس از آن درباره حق و عدالت سخن‌های بسیاری گفته‌اند. که بازگو نمودن خطبه‌های نهج البلاغه، زیبایی دوجندانی به این شعار مهم رئیس جمهور داده است.

تعارض منافع، تبعیضات ناروا، رانت‌خواری، زندگی اشرافی و تجمل‌گرایانه برخی مسئولین و خانواده‌های آنان، فاصله طبقاتی، نابرابری در حوزه آموزش و فاصله معنادار کیفیت زندگی و امکانات در برخی نقاط کشور با سایر مناطق، از جمله مواردی است که بیانگر عقب ماندگی در حوزه عدالت می‌باشد و رئیس جمهور همان‌طور که خود دغدغه این مسائل را دارند، باید در جهت حل این مسائل و در نتیجه کاستن از بی‌عدالتی‌ها تلاش نمایند.

حاکمیت قانون و اجرای بی‌کم و کاست قوانین که در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، عدم مغایرت آن‌ها با شرع و قانون اساسی به تائید شورای نگهبان متشکل از ۶ فقیه و ۶ حقوق‌دان می‌رسد، می‌تواند راه را بر اعمال هر گونه سلیقه در امور مختلف ببندد و یکسانی همه در برابر قانون و برقراری عدالت در جامعه را نتیجه دهد. انتظار قانون‌گرایی از رئیس جمهور جدید و دولت او بیشتر است چراکه پزشکیان، سیاست‌های کلی، سند چشم‌انداز و قانون برنامه هفتم توسعه را به عنوان برنامه و خط

۱. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ...؛ ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب آسمانی و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. (آیه ۲۵ سوره حدید)

۲. بیانات در دیدار با اعضای هیات دولت سیزدهم، ۱۴۰۰/۶/۶

ضعف شخص رئیس‌جمهور و کابینه پیشنهادی او و همچنین دورنمای دولت ایشان با در نظر گرفتن وعده‌های انتخاباتی، حلقه اطرافیان و برنامه‌های ارائه شده، به صورت خلاصه آن دسته از انتظارات از دولت چهاردهم که از ضروریات کشور و جامعه است، تبیین شود.

وفاق ملی

وحدت، موضوع بسیار مهمی است که در متون دینی نیز به آن اشاره^۱ و در خصوص عواقب نقطه مقابل آن یعنی تفرقه و چنددستگی هشدار داده شده است.^۲ در عین حال که اتحاد آحاد جامعه اعم از مردم و مسئولین یکی از لوازم رشد و پیشرفت است، هر جا اثری از تفرقه و درگیری باشد، شاهد عقب ماندگی و انباشت مشکلات خواهیم بود. یقیناً منظور از وحدت و پرهیز از دعواها که مورد تاکید رئیس‌جمهور محترم نیز می‌باشد، مذموم دانستن هرگونه اختلاف نظر نیست بلکه اتفاقاً تضارب آراء، زمینه ساز رشد آگاهی و در نتیجه، دستیابی به راه حل مسائل مختلف است. اما آنچه باید نسبت به آن حساس بود، ایجاد مرزبندی های بی‌اساس و دامن زدن به دعواهای سیاسی است که نه تنها ثمره‌ای برای کشور و مردم ندارد، بلکه موجب اتلاف منابع، از دست دادن فرصت‌ها و تضییع حقوق ملت می‌شود.

متحد نمودن نیروهای فعال و اعضای یک جامعه با وجود گرایش‌های متفاوت و حتی متضاد فکری، وظیفه مهم و دشواری است که بر عهده همه عناصر یک حاکمیت از جمله دولت است. از آنجایی که یکی از شعارهای مهم آقای پزشکیان، دوری از دعواهای داخلی و حرکت به سمت وحدت و همدلی بوده تا حدی که ایشان دولت خود را «وفاق ملی» نام نهاده است، از دولت چهاردهم انتظار بیشتری می‌رود که در جهت تحقق این مهم بکوشد. اما باید توجه داشت که گرچه به کارگیری افراد با گرایش‌های سیاسی متفاوت و از میان اقوام و طیف‌های مختلف جامعه در یک کابینه قابل تقدیر است اما این اقدام که از آن با عنوان دولت «فراجناحی» یاد می‌کنند، به تنهایی موجب وفاق نمی‌شود بلکه چنین اقدامی در صورتی که بدون لحاظ معیارها و حساسیت‌های لازم برای سپردن مسئولیت‌ها باشد، تداعی کننده شرکت سهامی است.

دولت چهاردهم برای تحقق وفاق ملی، باید از افرادی

۱. وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ...؛ و همگی به ریسمان خدا [= قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید. (آیه ۱۰۳ سوره آل عمران)

۲. حَتَّىٰ إِذَا فُشِلْتُمْ وَتَنَزَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِمَّن بَعْدَ مَا أَرَأَيْتُمْ مَا تَحِبُّونَ ...؛ تا اینکه سست شدید؛ و (بر سر رهاکردن سنگرها)، در کار خود به نزاع پرداختید؛ و بعد از آن که آنچه را دوست می‌داشتید (از غلبه بر دشمن) به شما نشان داد، نافرمانی کردید. بعضی از شما، خواهان دنیا بودند؛ و بعضی خواهان آخرت. سپس خداوند شما را از آنان منصرف ساخت؛ (و پیروزی شما به شکست انجامید)؛ تا شما را آزمایش کند. (آیه ۱۵۲ سوره آل عمران)

مشی خود اعلام کرده است. باید عنایت داشت که عدالت و عدالت‌طلبی همواره به مذاق عده‌ای که منافع خود را در بی‌عدالتی و تضييع حقوق عموم مردم می‌بینند خوش نمی‌آید و قطعاً در مسیر آن، سنگ‌اندازی خواهند کرد همان‌گونه که به گواه تاریخ، مخالفان امیرالمومنین (ع) که تحمل روحیات و اقدامات عدالت‌خواهانه ایشان را نداشتند، سه جنگ خسارت‌بار را بر ایشان و امت اسلامی تحمیل نمودند. اما اگر رئیس‌جمهور که طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی، مسئولیت اجرای قانون اساسی را برعهده دارد و دولت تحت ریاست وی، اراده‌ای جدی برای حرکت در مسیر حق و عدالت دارند، باید به نمایندگی از ملت، سختی‌های این مسیر را نیز به جان خریده، به اجرای تمام اصول قانون اساسی و توجه ویژه به اصول مغفول و بر زمین مانده این میثاق ملی اهتمام ورزیده و در مقابل هرگونه زیاده‌خواهی بایستند که رضایت عامه مردم، خشم خواص را بی‌اثر می‌سازد.^۵

رعایت اولویت‌ها

وجود چالش‌های مختلف در جوامع، امری طبیعی است که دولت‌ها باید برای مدیریت و حل این موارد و جلوگیری از تبدیل آن‌ها به بحران، برنامه ریزی و تلاش کنند. کشورمان نیز از این امر مستثنا نیست و با مشکلات متعددی در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کند.

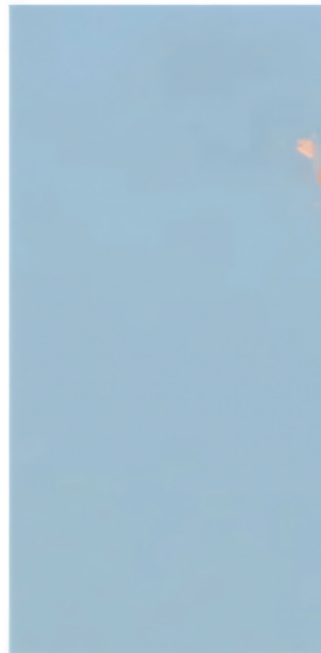
کشور به دلایل گوناگون از جمله ساختارهای غلط به جا مانده از گذشته، تحریم‌های همه‌جانبه دشمنان که خود از آن با تعبیر فشار حداکثری یاد می‌کنند و همچنین کوتاهی‌های صورت گرفته، با حجم زیادی از مشکلات اقتصادی و معیشتی مواجه هست که زندگی روزمره مردم شریف و مقاوم را که سال‌هاست در برابر توطئه‌های دشمنان این سرزمین ایستاده‌اند، تحت الشعاع قرار داده است. علاوه بر مشکلات اقتصادی و معیشتی، برخی چالش‌های فرهنگی و اجتماعی نیز در چند سال اخیر بر اثر شکاف بین نسلی، تغییر سبک زندگی، عمل نکردن به وظایف محوله توسط دستگاه‌های مسئول و تهاجم فرهنگی پدید آمده یا بر شدت آن‌ها افزوده شده که همگی نیازمند تدبیر صحیح، اتخاذ تصمیمات اساسی و اصلاح اشتباهات پیشینیان است اما باید عنایت داشت آنچه که در حال حاضر از اهمیت و اولویت بیشتری برخوردار است، مسئله اقتصاد است. باید توجه داشت که ارتقای سطح زندگی و تامین رفاه نسبی، علاوه بر آن‌که از وظایف مهم دولت‌هاست، ارتباط مستقیمی نیز با همراهی مردم در اجرای برنامه‌ها و تحقق اهداف دولت و مجموعه حاکمیت دارد. بر همین اساس، بدیهی است که مسائل کلانی همچون ارزش پول ملی، تولید، سرمایه‌گذاری، بهبود محیط کسب و کار و همچنین اقدامات فوری و کوتاه مدت برای بهبود معیشت مردم که

هم در شمار توصیه‌های مقام معظم رهبری به رئیس‌جمهور در روز تنفیذ و هم از شعارهای رئیس‌جمهور محترم در ایام انتخابات بود، باید در اولویت کاری دولت جدید باشد. رئیس‌جمهور و کابینه او باید توجه داشته باشند که مسیر موفقیت در عرصه اقتصاد از راهروهای هتل کوبورگ وین عبور نمی‌کند و با نسخه‌های بانک جهانی محقق نمی‌شود، بلکه بخش عمده‌ای از آن، منوط به روشن ساختن دالان‌های تاریک شرکت‌های دولتی و اتاق‌های تجاری و بازرگانی است.

حل مشکلات اقتصادی و ارتقای سطح زندگی عموم مردم بیشتر از آن‌که به توافق و معامله با طرف‌های خارجی نیاز داشته باشد، محتاج اصلاح ساختارهای غلط و فسادزای اقتصادی و نظام بودجه ریزی، شفافیت در درآمدها و هزینه‌ها و قطع دست مافیای متصل به مراکز آلوده قدرت و ثروت از منابع کشور است.

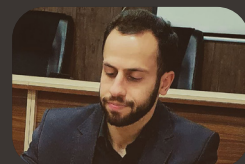
سخن پایانی

طبق توصیه رهبر انقلاب، همگی موظف به کمک به آقای پزشک‌پژشکیان هستند و موفقیت ایشان، موفقیت همه ماست؛ کمک به دولت برای نیل به اهداف خود که جز تلاش برای حل مشکلات، پیشرفت کشور و خدمت به مردم نباید باشد، اشکال مختلفی دارد که تأیید اقدامات صحیح، ارائه پیشنهادات راه‌گشا و بیان انتقادات سازنده از جمله آن‌هاست آنچه که بیان شد نیز شرط بلاغ بود و یادآوری بخشی از انتظارات اساسی از رئیس‌جمهور محترم و دولت تحت ریاست وی که تلاش در راستای تحقق آن‌ها، مسیر موفقیت دولت را هموار می‌نماید. و حال باید به دکتر مسعود پزشک‌پژشکیان و دولت وی، فرصت داد و کمک کرد تا بتواند با رعایت مَرّ قانون و براساس نیازها و اولویت‌ها در کنار همدلی و همکاری با سایر عناصر موثر، در جهت تحقق اهداف عالی نظام و تأمین خواسته‌ها و رفع دغدغه‌های مردم قدم بردارد؛ ان شاءالله.



کرسنت؛ موهبت یا خسارت (بررسی ابعاد حقوقی، قضایی و سیاسی قرارداد کرسنت)

نویسنده: امیرمسعود نبوی
دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق ثبت دانشگاه علوم
قضایی و خدمات اداری



وقت دیوان محاسبات کشور، با استدلال به صرفه نبودن این قرارداد به دلیل عدم پیش‌بینی افزایش قیمت گاز و تناسب آن با قیمت جهانی نفت، از آن به «خیانت» تعبیر کرده و خواستار لغو آن گردید؛ در واکنش به این اظهارات، عده‌ای قرارداد کرسنت را «بهترین قرارداد گازی که تا کنون امضا شده» دانسته و لغو آن را بر خلاف منافع ملی دانستند. در نهایت اجرای این قرارداد در سال ۱۳۸۴ با دلایل ارائه شده از سوی دیوان محاسبات از جمله عدم تغییر بهای گاز صادراتی و ثابت ماندن آن در دوره هفت ساله اول اجرای قرارداد، متوقف شد. در دولت نهم اقداماتی در راستای احیای این قرارداد و رفع اتهامات طرفین توسط وزارت نفت صورت پذیرفت که بی‌ثمر بود. این دو دستگی میان مسئولان، موجب گمانه‌زنی‌هایی در رابطه با امکان فساد در پرونده کرسنت شده است؛ به طوری که امروزه نیز با وجود حکم دیوان دائمی داوری به محکومیت شرکت ملی نفت ایران به پرداخت حدود ۲,۴۳ میلیارد دلار

«تأمین منافع ملی، هدف اصلی دیپلماسی کشور است. با اتکاء به خداوند، خودسازی، برنامه ریزی عاقلانه و متفکرانه و اقدامات صحیح، اهداف دیپلماسی جمهوری اسلامی یعنی تأمین منافع ملی ایران را محقق کنید.»
(سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفرای جمهوری اسلامی ایران در دیگر کشورها ۱۳۸۶/۵/۳۰)

قرارداد کرسنت، قراردادی میان شرکت اماراتی «کرسنت پترولیوم» و شرکت ملی نفت ایران می‌باشد که در سال ۱۳۸۱ و در زمان وزارت بیژن نامدار زنگنه در دولت هشتم منعقد شد. طبق قرارداد منعقد شده، ایران متعهد می‌گردد که گاز تُرش (فرآوری نشده) میدان سلمان استان هرمزگان را به کشور امارات به مدت ۲۵ سال و در دو دوره ۷ و ۱۸ ساله صادر نماید. در روز دهم بهمن ماه سال ۱۳۸۴ رئیس

خسارت^۱، همچنان در مناظرات انتخاباتی، اختلافات بر سر قرارداد کرسنت پابرجاست.

در این قرارداد به عنوان یک تعهد بین‌المللی نقاط ضعف قابل تأمل و ابهاماتی در مفاد و شیوه اجرا مشاهده می‌گردد؛ یکی از عمده ایرادهای طرح، مربوط به قیمت گاز تحویلی به شرکت کرسنت می‌باشد. در آغاز مذاکرات طرفین قرارداد (سال‌های ۷۷ و ۷۸) قیمت جهانی هر بشکه نفت خام حدود ۱۲ تا ۱۴ دلار محاسبه می‌شد و بر همین اساس قیمت گاز در این قرارداد بر مبنای نفت خام ۱۸ دلاری مطرح گردید. لکن در زمان انعقاد قرارداد، قیمت جهانی نفت خام به ۲۴ دلار نیز رسید که بر این اساس می‌بایست قیمت مبنا در قرارداد نیز افزایش می‌یافت اما نه تنها این افزایش قیمت صورت نپذیرفت، بلکه قیمت گاز تحویلی در دوره هفت ساله ابتدایی نیز ثابت تعیین شد. این درحالی است که قیمت جهانی نفت خام از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ حدود دو برابر افزایش یافت و از قیمت هر بشکه ۴۰ دلار نیز عبور کرد. علاوه بر آن ایران می‌توانست در فرصت الحاقیه ششم در تیرماه ۱۳۸۳ قیمت گاز تحویلی را بر مبنای قیمت روز نفت خام در بازار جهانی افزایش دهد ولی از این امر غفلت نمود. این غفلت سایر قراردادهای صادرات گاز ایران را نیز تحت الشعاع قرار داد؛ به عنوان مثال در قرارداد صادرات گاز به ترکیه، طرف ترکیه‌ای به استناد قرارداد کرسنت، از ایران شکایت کرد که در نهایت ایران ناچار به کاهش قیمت گاز صادراتی خود به این کشور شد که از این طریق حدود هفت میلیارد دلار خسارت به ایران وارد شد. دومین ایرادی که می‌توان بر این قرارداد وارد دانست، انعقاد قرارداد با یک شرکت واسطه و دلال است. به طور کلی در عقود فروش و انتقال گاز به دلیل طولانی مدت بودن، هزینه‌های بالا، عبور خطوط لوله از مناطق خشکی و دریایی سرزمینی و بسیاری از عوامل دیگر، معمولاً انعقاد قرارداد با حضور نمایندگان دولت‌ها صورت می‌پذیرد؛ زیرا قراردادهای فروش گاز همگی قراردادهای دولت با دولت هستند. این در حالی است که دولت ایران با شرکت واسطه و دلال کرسنت که میان ایران و امارات واسطه‌گری می‌نماید قرارداد امضا کرده است. ایراد سوم نقض مصوبه شورای اقتصاد (مصوب ۱۳۷۸) بود که طبق آن بایستی گاز تولیدی میدان سلمان از طریق خط لوله به عسلویه منتقل گشته و پس از پالایش در داخل کشور مصرف شود. با این حال شرکت ملی نفت ایران بدون اخذ مجوز از شورای اقتصاد اقدام به انعقاد قرارداد فروش گاز تولیدی میدان سلمان با شرکت کرسنت نمود. علاوه بر ایرادهای مذکور، در این قرارداد در صورت عدم وجود ظرفیت تولیدی لازم برای تأمین گاز در طول ۲۵ سال، تمامی این خطر (ریسک)

۱. شرکت ملی نفت ایران تا کنون این جریمه را پرداخت نکرده و پاسخی رسمی نیز از جانب مقامات دولتی در رابطه با این موضوع داده نشده است. شرکت (کرسنت پترولیوم) نیز حکم خود را برای تأیید و اجرا به دادگاه سلطنتی انگلیس و دادگاه منطقه‌ای ایالت کلمبیا فرستاده و درخواست حکم غیابی نموده است

متوجه شرکت ملی نفت ایران بوده و ایران ملزم به ایفای تعهدات خود از طریق بهره‌برداری از سایر مخازن گازی خویش خواهد بود.

از جهتی دیگر، طرفداران قرارداد کرسنت نیز نوعی مصلحت‌اندیشی توأم با رعایت منافع کشور در شرایط کنونی را در توجیه دفاع خود از آن به کار می‌گیرند؛ میدان گازی سلمان دارای منبع مشترکی با میدان گازی «ابوالبوخوش» در ابوظبی بوده و ۷۵ درصد آن متعلق به ایران و ۲۵ درصد متعلق به کشور امارات است. بر هیچ یک از افراد جامعه پوشیده نیست که ایران طی سال‌های اخیر به علت تحریم‌های نفتی و گازی با مشکل فروش گاز مواجه بوده و با توقف قرارداد کرسنت، منابع گازی ایران در میدان گازی سلمان بلااستفاده می‌شوند. از طرفی میدان گازی ابوالبوخوش امارات بسیار فعال بوده و بدین ترتیب انرژی گازی ایران در سال‌های بعد به هدر رفته و یا توسط میداین گازی مشترک در امارات استخراج می‌شود. در نگاهی جامع‌تر، به موجب قراردادهای نفتی و گازی، نفوذ ایران در کشورهایی که به آن‌ها صادرات انجام می‌دهد بیش از پیش شده و ایران می‌تواند در معاملات بین‌المللی از این موضوع سود ببرد؛ همانگونه که قطر همچنان با قیمتی که ایران در قرارداد ذکر کرده بود به امارات گاز صادر می‌کند.

سوالی که مطرح می‌گردد این است که بایستی حق را به کدامین گروه داد؟ آیا این بار جلوی عهدنامه ترکمانچای گرفته شده است و یا اینکه برخلاف منافع ملی یک قرارداد سودمند، باز یچه جریان‌های سیاسی قرار گرفته است؟ با توجه به اصول استخراجی از پرونده کرسنت، قانون حاکم بر قرارداد، قانون ایران تعیین شد ولی در صورتی که مقرر داور انگلستان تعیین شده باشد، به طور پیش‌فرض، این قانون انگلستان است که بر موافقت‌نامه داور حاکم است. بنابراین هرچند که در قرارداد بلند مدت عرضه و خرید گاز که در سال ۲۰۰۱ منعقد شده بود قانون حاکم ایران در نظر گرفته شده بود، اما به دلیل تعیین انگلستان به منزله مقرر داور در نهایت این قانون انگلستان بود که بر موافقت‌نامه داور حاکم شد. ادعای شرکت ملی نفت این بود که به دلیل فساد و روابط فاسد میان اعضای هیأت مدیره شرکت ملی نفت و کرسنت (CPCI)، داوران صلاحیت رسیدگی به دعوا را نداشته و علاوه بر آن، شرکت ملی نفت اظهار می‌داشت که واگذاری قرارداد از سوی CPCI به شرکت زیر مجموعه گاز کرسنت نامعتبر است، چرا که شرکت ملی نفت هیچ نسخه مکتوبی مبنی بر رضایت بر این امر را در دست ندارد.

به منظور مقابله با فساد و منافذ محتمل برای پرداخت رشوه یا اعمال نفوذ، برخی ساز و کارهای عمومی و اختصاصی بررسی می‌شوند؛ به طور کلی می‌توان به مواردی از قبیل ایجاد نهادهای نظارتی مستقل از وزارت نفت، افشای مالکیت شرکت‌ها، انتشار قراردادهای الزام مدیریت ارشد

است؛ بدین معنی که اگرچه حکومت با قدرت حاکمیتی خود می‌تواند در راستای الغای قرارداد اقدام کند، ولی در عین حال شرکت ملی نفت می‌بایست از پس جبران نقض قرارداد نیز برآید و به همین دلیل است که عمده تلاش مراجع نظارتی می‌بایست به مراحل تنظیم و تعدیل قرارداد معطوف شود که مستلزم به کارگیری متخصصان، بازرسان و مشاوران در این زمینه است. تنها در این صورت است که علاوه بر رعایت عزت، حکمت و مصلحت می‌توان از هویت و استقلال ملی و تمامیت ارضی این مرز و بوم دفاع کرده و به جستجوی منافع آن در خارج از مرزها بر مبنای عدالت حقیقی بود.

شرکت‌های دولتی در بخش نفت و گاز به اعلام دارایی‌های خود به صورت دوره‌ای و فرایندهایی که موجب افزایش شفافیت و پاسخگویی می‌شود، اشاره نمود. به موجب اصل یکصد و پنجاه و سوم و براساس قاعده نفی سبیل، انعقاد هرگونه قراردادی که به سلطه بیگانگان بر منابع طبیعی و یا اقتصادی کشور منجر شود، ممنوع است و به نظر می‌رسد که هرگونه قرارداد نفتی اعم از مبتنی بر فساد یا غیر از آن، در صورتی که سبب مسلط گشتن شرکت‌های خارجی بر منابع ملی شود، در تعارض با این قاعده باشد. بنابراین در خصوص پرونده کرسنت باید پذیرفت که شرکت ملی نفت ایران در مقابل شرکت خارجی نه به منزله دولت ایران، بلکه در صدد اعمال تصدی وارد شده

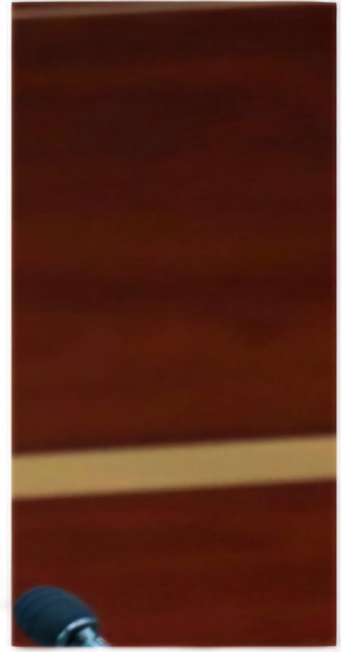
فهرست منابع

منابع فارسی:

- ۱- شیروی، عبدالحسین، حقوق نفت و گاز، نشر میزان، تهران، ۱۴۰۲.
- ۲- درخشان، مسعود، ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی-تاریخی به عملکرد قراردادهای نفتی در ایران، فصل‌نامه اقتصاد انرژی ایران، سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۲.
- ۳- بینایی، محمد، کنکاشی پیرامون فساد مالی در قراردادهای دولتی، سازمان بازرسی کل کشور.
- ۴- کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی تنظیم شده در نیویورک به تاریخ ۱۰ ژوئن ۱۹۵۸ میلادی (۳/۴/۱۳۳۷ هجری شمسی).
- ۵- کاتوزیان، ناصر، دوره حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، جلد ۱، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۹۹.
- ۶- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

منابع لاتین:

1. Bindemann, Kirsten, Production-Sharing Agreements: An Economic Analysis, Oxford Institute for Energy Studies, October, 1999.
2. Gao, Zhigo, International petroleum contracts: current trends and new directions. United States of America, 1994.
3. Iran Petroleum Contracts (IPC). final version by steering committee 18,11,15.
4. Johnston, Daniel, (1994), International Petroleum Fiscal Systems And Production Sharing Contract, Tulsa, Oklahoma, USA: Penn Well Publishing Company.



حقوق در اسارت (بررسی حقوق اسرای جنگی از منظر کنوانسیون‌های بین‌المللی به همراه مصاحبه با دکتر احمد یوسف‌زاده آزاده و نویسنده)

نویسنده: محمدحسین بیدشکی
دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه
علوم قضایی و خدمات اداری



دستگاه اتوبوس از مرز خسروی وارد منطقه «منظریه» عراق محل اسکان آزادگان شدند. اینجا بود که روند آزادسازی اسراء آغاز شد که این مسئله چند روز به طول انجامید. در این ایام طی ۲۹ مرحله، ۳۷ هزار و ۵۳۲ نفر از آزادگان سرافراز ما به میهن اسلامی بازگشتند. همچنین در تبادل بزرگ نیروهای بعثی که از تاریخ ۱۳۶۹/۵/۲۷ تا ۱۳۶۹/۶/۲۴ ادامه داشت، طی ۴۵ مرحله، تعداد ۳۹ هزار و ۹۱۶ نفر آزاد شدند.

در همین راستا و به همین مناسبت ابتدا گفتگویی داریم با دکتر احمد یوسف‌زاده از آزادگان سرافراز هشت سال دفاع مقدس و نویسنده کتاب فاخر «آن ۲۳ نفر» تا افقی روشن از وضعیت اسرا و اردوگاه‌های بعثی در زمان اسارت داشته باشیم.

۲۶ مرداد ماه هرسال، مصادف است با سالگرد بازگشت غرورآفرین رزمندگان آزاده هشت سال دفاع مقدس به میهن اسلامی. اولین اقدام برای آزادسازی اسراء در تاریخ بیست و دوم مردادماه سال ۶۹ رخ داد. مقامات عراقی با ارسال چند نامه به ایران اعلام کردند قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت مبنی بر آتش‌بس را به رسمیت شناخته است. بنابراین، با عقب‌نشینی به مرزهای بین‌المللی، روند آزادسازی اسراء را تسریع می‌بخشد. پس از ترک خاک ایران توسط رژیم بعثی، ایران نظر مثبت خود را درباره تبادل اسراء اعلام کرد. سپس بیانیه دولت عراق برای آزادسازی انبوه اسراء در تاریخ بیست و چهارم مرداد ماه از اخبار رادیو ساعت ۱۱ صبح، به اطلاع عموم مردم رسید. پس از دو روز، در ۲۶ مرداد ماه، حدود ساعت ۱۲ ظهر، هیئت ایرانی با ۳۵

نیز مشخص نبود؛ و به طور روشن‌تر اسرایی که بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و آتش بس و طی پاتک‌های عراق به اسارت درآمدند و تا مدت‌ها اطلاعی از آنان در دسترس نبود.

س: جناب یوسف زاده اسراء طی مدت اسارت تا چه حدی امکان نامه‌نگاری با خانواده‌هایشان داشتند؟

ج: طبق قوانین، اسیر هر زمان که بخواهد می‌تواند نامه بنویسد و چنین حقی دارد اما در اردوگاه به طور کلی داشتن قلم و کاغذ ممنوع بود و نهایتاً ماهی یکبار از طریق صلیب سرخ امکان نامه‌نگاری به ما می‌دادند که البته محتوای نامه‌ها بررسی می‌شد و نباید حاوی اطلاعات محرمانه‌ای می‌بود. (خانم معصومه آباد در کتاب «من زنده‌ام» نمونه‌ای از این شیوه نامه‌نگاری‌ها و اعمال سانسور و خط زدگی در نامه‌های شخصی را آورده‌اند).

س: در مورد آزادی‌های مذهبی و فرهنگی در اردوگاه‌ها اوضاع به چه شکل بود؟

ج: هیچ چیزی آزاد نبود. فقط نماز آن هم فرادی. خبری از مراسمات دعا به صورت جمعی نبود و در صورت مشاهده برخورد و شکنجه صورت می‌گرفت. اما در عین حال ماهانه تعدادی کتاب از طریق صلیب سرخ درخواست می‌دادیم و آن‌ها هم از ایران تهیه کرده و برای ما می‌آوردند. البته اگر کتاب کوچک‌ترین محتوایی در مورد جمهوری اسلامی داشت اجازه آن را نمی‌دادند، حتی آرم جمهوری اسلامی بالای برخی کتاب‌ها را هم با قیچی حذف می‌کردند و به نوعی سانسور اعمال می‌شد. و به صورت خیلی محدود نهج البلاغه و مفاتیح اجازه می‌دادند و سال‌های آخر هم تعدادی کتاب رمان.

س: وضعیت خوراک و پوشاک اسراء در مدت اسارت به چه شکل بوده؟

ج: بنده به یاد دارم یک‌بار وصله‌های لباسم را شمردم، بیش از ده-پانزده وصله به لباسم بود و از نظر پوشاک بسیار در مضیقه بودیم و سالی یک یا نهایتاً دو دست لباس زیر و دشداشه به ما می‌دادند و کفش فقط یک جفت کتانی به ما تعلق می‌گرفت که در همان چند ماه اول پاره می‌شد و مجبور بودیم دمپایی پلاستیکی استفاده کنیم. وضعیت غذا هم بسیار وخیم بود؛ هم از نظر کمیت و هم کیفیت. نهایتاً هر روز دو وعده غذا، یکی صبحانه و یکی نهار به ما می‌دادند. منتهی خود اسراء که در آشپزخانه کار می‌کردند، از جیره غذای وعده‌های نهار و شام می‌زدند تا چیزی برای شام بشود درست کرد. تنها وجه مثبتش این بود هر ظهر نهار برنج بود اما خورشش آن به قدری بی کیفیت بود که به سختی قابل خوردن بود و به جرعت می‌توان گفت هیچ اسیری در هیچ وعده‌ای سیر از سر سفره غذا بلند نمی‌شد. صبحانه در تمام مدت ۸ سال اسارت هر روز یک سوپی بود که با عدس درست می‌شد و حتی پیاز هم

س: سلام جناب دکتر خیلی ممنونم از این که وقتتان رو در اختیار ما قرار دادید. همان‌طور که شما هم مستحضر هستید در مقررات مختلف بین المللی، حقوق و تعهداتی برای اسراء و کشور میزبان اسراء در نظر گرفته شده، در ابتدا بفرمایید اوضاع اردوگاه‌های بعثی در خصوص رفتار انسانی با آنان به چه شکل بود؟

ج: من هم سلام عرض می‌کنم به شما؛ در خصوص رفتار انسانی، خب عراقی‌ها به بهانه‌های مختلف اسراء را مورد آزار و اذیت و شکنجه قرار می‌دادند. بهانه‌هایی مثل برگزاری نماز جماعت که ممنوع بود و عراقی‌ها در این مواقع چند نفر را بدون دلیل می‌بردند و شکنجه می‌کردند و اصلاً به طور کلی در دست هر کدام از نیروهای عراقی همیشه یک کابل جهت تنبیه و کتک زدن بود، خود من یک‌بار به دلیل نوشتن اسمم روی لباسم حدود ۳ روز داخل یک سلول انفرادی که وضعیت اسفناکی داشت و قسمتی از کف آن را ادرار فرا گرفته بود حبس شدم و به سختی در آن فضا نفس می‌کشیدم؛ یا یکی از رزمندگان کرمانی به نام امیر شاهپسندی، کف پای ایشان را با اتو سوزاندند که هنوز بعد از قریب به ۴۰ سال درگیر درمان و بیمارستان هستم. در مقابل، وضعیت اسراء عراقی در ایران بسیار بهتر بود، هر چند اسیر هر کجا که باشد باز هم اسیر است اما خصوصاً در چنین مسائلی، چون ما داعیه حکومت اسلامی داشتیم و چنین رفتارهایی را نمی‌پسندیدیم.

س: وضعیت دسترسی رزمندگان به خدمات پزشکی به چه صورت بود؟

ج: در این مورد باید بگویم وضعیت اردوگاه‌ها بسیار ضعیف بود، خدمات پزشکی خیلی کم وجود داشت و دسترسی به داروها وجود نداشت، پیش می‌آمد اسیری جهت درمان ساده‌ترین بیماری به بیمارستان می‌رفت و دیگر بر نمی‌گشت. پای اسیری که به راحتی قابل درمان بود را قطع می‌کردند.

س: در خصوص دسترسی به صلیب سرخ و آگاهی نهادهای بین المللی از وجود اسراء بفرمایید؟

ج: خب باید واقع‌بینانه و منصفانه گفت؛ شاید بتونم بگویم عراق تا حدودی به چنین امری متعهد بود و از روزهای اول اسارت تا حدود یکی دو ماه بعد از اسارت حدود ۶۰ درصد از اسراء اسامی و مشخصاتشان به صلیب سرخ داده می‌شد و این نیروها از وضعیت اسراء آگاهی پیدا می‌کردند و ماهی یک‌بار از صلیب سرخ به اردوگاه‌ها می‌آمدند و به اسراء سر می‌زدند. هنگامی هم که اسیری در زندان به شهادت می‌رسید یک نفر از رزمنده‌ها همراه با عراقی‌ها به محل دفن به عنوان شاهد می‌رفت و محل دفن و مشخصات متوفی به صلیب سرخ اعلام می‌شد و پس از جنگ، پیکر به ایران منتقل می‌شد. البته قطعاً موارد بسیار زیادی هم بود که از این اقدام خودداری می‌کردند از جمله شهید تندگویان که تا مدت‌ها پس از جنگ محل دفن ایشان

داخل آن نبود و نهایتاً ۱۰ قاشق می‌شد. این در حالی است که بنده با اسرای عراقی که در ایران بودند و بعد از جنگ از طریق فضای مجازی با ایشان ارتباط گرفتم، می‌گفتند ما صبحانه هر روز یک غذا می‌خوردیم، یک روز کره و مربا، یک روز تخم مرغ، پنیر و ...

س: خیلی ممنونم از شما جناب دکتر که وقتتان را در اختیار ما قرار دادید، در پایان اگر سخنی هست بفرمایید؟
ج: بله بنده دو کتاب را حتماً پیشنهاد می‌کنم که در همین رابطه خوانده شود. یک، کتاب خانم بهجت افراز (کتاب ام‌الاسرار) و دوم کتاب خاطرات دوران اسارت آزاده سرفراز، دکتر یحیی کمالی پور.

آنچه که خواندید تنها قسمت بسیار کوچکی از سختی‌های زیادی بود که بر اسرای جنگی ایران در زندان‌های عراق می‌گذشته است که در این بین، نقض متعدد حقوق اسرای جنگی به چشم می‌خورده است.

تضمین حقوق اسرای جنگی در اسناد مختلف بین‌المللی به چشم می‌خورد. این اسناد شامل کنوانسیون‌های اول، دوم، سوم و چهارم ژنو (۱۹۴۹)، پروتکل‌های اول و دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۷۵)، کنوانسیون ضد شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز (۱۹۸۴) می‌باشد. در رویه قضایی بین‌المللی نیز آرای دادگاه بین‌المللی دادگستری ICJ قابل توجه است. از جمله پرونده نیکاراگوئه علیه ایالات متحده آمریکا (۱۹۸۶)، پرونده جمهوری دموکراتیک کنگو علیه اوگاندا (۲۰۰۵).

به طور کلی در مقرراتی که پیش‌تر مورد اشاره قرار گرفت به حقوق و تعهداتی از این دست اشاره شده است:

رفتار انسانی: اسراء باید در تمامی شرایط با رفتار انسانی و بدون هرگونه تبعیض بر اساس نژاد، ملیت، مذهب، یا عقاید سیاسی، مورد احترام قرار گیرند. (ماده ۱۳ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو)

حفاظت در برابر خشونت و ارباب: اسراء نباید مورد شکنجه، خشونت، یا ارباب قرار گیرند.

اطلاعات شخصی: اسرای جنگی باید به سرعت پس از اسارت، اطلاعات شخصی خود را (مانند نام، درجه، تاریخ تولد و شماره شناسایی) به مقامات مربوطه ارائه دهند و در مقابل، کشورهای اسیرکننده نیز باید به سرعت فهرست اطلاعات اسرای جنگی را به دفتر مرکزی و صلیب سرخ جهانی ارسال کنند. (ماده ۱۷)

مراقبت‌های پزشکی: اسرای جنگی باید از مراقبت‌های پزشکی مناسب برخوردار شوند و در صورت نیاز، به بیمارستان منتقل شوند. (ماده ۱۵)

مکاتبات و ملاقات‌ها: اسراء باید بتوانند با خانواده‌های خود مکاتبه کنند و ملاقات‌هایی با نمایندگان صلیب سرخ یا سایر سازمان‌های انسانی داشته باشند. (ماده ۷۱)

غذا و پوشاک: اسرای جنگی باید غذا و پوشاک کافی دریافت کنند که با شرایط آب و هوایی و نیازهای سلامتی

آن‌ها مطابقت داشته باشد. (ماده ۲۶ و ۲۷)
آزادی مذهبی و فرهنگی: اسراء باید بتوانند به طور آزادانه مناسک مذهبی خود را انجام دهند و از امکانات فرهنگی و تفریحی استفاده کنند. (ماده ۳۴ و ۳۸)

همچنین پرونده جمهوری دموکراتیک کنگو علیه اوگاندا در سال ۲۰۰۵ به دادگاه بین‌المللی دادگستری (ICJ) ارجاع شد. مثالی بارز از رویه قضایی بین‌المللی در خصوص تضمین و حفظ حقوق اسرای جنگی است. این پرونده در سال ۱۹۹۹ به ICJ ارجاع شد و کنگو ادعا کرد که اوگاندا به حاکمیت و تمامیت ارضی کنگو تجاوز کرده و نیروهای اوگاندا به صورت سیستماتیک حقوق بشردوستانه بین‌المللی را نقض کرده‌اند، از جمله قتل غیرنظامیان، شکنجه، تجاوز، و غارت منابع طبیعی. دادگاه در سال ۲۰۰۵ رأی خود را صادر کرد. ICJ اعلام کرد که اوگاندا با تجاوز نظامی به قلمرو کنگو و اشغال آن، به طور جدی حقوق بین‌الملل را نقض کرده است. رأی دادگاه چنین بود که نیروهای اوگاندا به رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز با اسرای جنگی متهم شدند که شامل شکنجه و سایر رفتارهای خشن بود. این اقدامات نقض مستقیم کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن است. همچنین دادگاه بر ممنوعیت مطلق شکنجه و رفتارهای غیرانسانی تأکید کرد. نیروهای اوگاندا به نقض این اصول متهم شدند و دادگاه این اقدامات را محکوم کرد. این پرونده نشان دهنده اهمیت حقوق اسرای جنگی در حقوق بین‌المللی است و نقش دادگاه‌های بین‌المللی در اعمال و تأمین این حقوق را تأکید می‌کند، به خصوص در مواقعی که کشورها به تخلفات بین‌المللی مرتکب می‌شوند.



روایت یک اشغال (بررسی اشغال ایران توسط متفقین از منظر حقوق بین‌الملل)

نویسنده: امین بکاولی
دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه
علوم قضایی و خدمات اداری



به سوی تبریز، بندر انزلی و مشهد روانه شد. این حمله از سوی متفقین و علی‌الخصوص از سوی بریتانیا و شوروی با دلایل ظاهری نظیر روابط میان ایران و آلمان و حضور آلمانی‌ها در ایران صورت گرفت. آخرین اعلامیه متفقین به دولت ایران در حالی رضا خان را از حمله به ایران مطلع می‌ساخت که نیروهای متفق از مرزهای ایران عبور نموده بودند و ارتش بریتانیا به رهبری آرچیبالد ویول از بندر ماهشهر وارد ایران شد. البته در ابتدا دولت‌های بریتانیا و آلمان از اعلام بی‌طرفی ایران استقبال کردند اما این حمایت به گفته چرچیل تا زمانی استمرار داشت که همسو با سیاست‌های بریتانیا و منافعش بوده باشد. پس از اشغال ایران توسط این کشورها مسائل داخلی خطرناکی نظیر غائله تجزیه طلبی در آذربایجان و کردستان به رهبری پیشه‌وری و قاضی محمد اتفاق افتاد که مورد حمایت نیروهای بیگانه قرار گرفت. پس از این واقعه دولت

به گواهی تاریخ، در ببحوحه جنگ بین‌الملل دوم و در پی هجوم ارتش نازی به شوروی، متفقین به این نتیجه رسیدند که برای یاری رساندن به شوروی برای مقاومت در برابر قوای متحدین و آلمان باید از راه زمینی به این کشور مهمات و تجهیزات ارسال دارند؛ برای رسیدن به این مقصد، بهترین راه - یا به قول خودشان پل پیروزی - به لحاظ استراتژیک از ایران می‌گذشت. در نهایت علی‌رغم اینکه دولت ایران به نخست‌وزیری محمود جم تنها پس از سه روز از آغاز جنگ جهانی دوم اعلام بی‌طرفی نموده بود. قوای متفقین در سپیده‌دم سوم شهریور ماه سال ۱۳۲۰ خورشیدی در حالی که چند روز به دومین سالگرد آغاز جنگ دوم جهانی مانده بود به خاک ایران حمله نموده و از جبهه شمالی و جنوبی و از جانب عراق خاک ایران را مورد اشغال قرار داد. در واقع بریتانیا از جنوب و همچنین از مرز عراق هجوم آورده و ارتش سرخ شوروی از سه جبهه

وضعیتی متفاوت از تجاوز می‌باشد؛ به عبارت بهتر، اشغال نوعی تجاوز در راستای ماندن در سرزمین اشغالی و اداره آن می‌باشد و مرحله‌ای میان تهاجم و توافق بر توقف درگیری می‌باشد. بنابراین مفهوم حاکمیت مؤثر و اعمال آن در قلب مفهوم اشغال گنجانده شده است، به گونه‌ای که بدون اعمال حاکمیت از جانب اشغالگر گویی مفهوم اشغال رخ نداده است. از این گذشته برای اینکه حاکمیت و کنترل مؤثر اتفاق افتاده و عینیت یابد سه شرط باید جمع شود؛ نخست اینکه دولت اشغالگر باید دولت مشروع را ناتوان در اعمال حاکمیت بداند و دوم اینکه باید در موضعی قرار داشته باشد که خود را دولت جانشین بر دولت مشروع آن سرزمین بداند و در نهایت شرط سوم که اعمال حاکمیت در سرزمین اشغال شده بدون رضایت دولت مشروع اتفاق افتاده باشد. اما نباید این نکته را از یاد برد که کنترل دولت اشغالگر موقتی بوده و به صورت کامل نخواهد بود و این اعمال کنترل نباید به گونه‌ای باشد که گویی حاکمیت سرزمین اشغالی را به دست آورده است. در نهایت در مورد حقوق افراد و غیرنظامیان در زمان اشغال باید ابراز نمود که قواعد حقوق بین‌الملل و حقوق بشر در این زمینه تعادلی میان وضعیت اشغال و حقوق بنیادین مردم ایجاد می‌نماید به این معنا که در طول دوره اشغال نباید به حقوق اساسی و بنیادین مردم نظیر حق بر آموزش و سلامت و رفاه خدش‌های وارد گردد.

اصل بی‌طرفی در حقوق بین‌الملل

بی‌طرفی در حقوق بین‌الملل به وضعیتی گفته می‌شود که بر طبق آن یک دولت از هرگونه دخالت مستقیم و غیر مستقیم در یک مخاصمه مسلحانه میان دو یا چند دولت دیگر برائت جسته و آن را طی اعلامیه‌ای رسمی ابراز می‌دارد. اصل بی‌طرفی در وادی عمل در روابط بین‌الملل دارای انواعی می‌باشد؛ نخست، بی‌طرفی از نوع دائمی می‌باشد که بر طبق آن یک دولت به لحاظ منطقه جغرافیایی و ژئوپلیتیکی خویش، سیاست بی‌طرفی دائمی را ابراز می‌نماید. در این رابطه می‌توان به کشور سوئیس اشاره نمود که به واسطه همسایگی با دولت‌های قدرتمند همیشه سعی بر حفظ بی‌طرفی داشته است. دومین حالت، بی‌طرفی موقتی می‌باشد که در وضعیت جنگی بر اساس مصالح و منافع یک دولت اعلام می‌گردد. سومین حالت، بی‌طرفی مشروط می‌باشد که در طی آن ضمن اعلام بی‌طرفی یک دولت در جنگ میان دو دولت بیگانه، دولت مزبور مایل است که هیچ دولت ثالثی نیز به نفع هیچ یک از دولت‌ها و به ضرر دیگری وارد مخاصمه نشود و به همین ترتیب بی‌طرفی خود را مشروط می‌کند. چهارمین مورد تحت عنوان بی‌طرفی مطلق شناخته می‌شود که بر طبق این شق از اصل بی‌طرفی، دولتی بر مبنای حفظ استقلال و حراست از تمامیت ارضی خود، اقدام به اعلام بی‌طرفی می‌نماید و در هیچ صورتی داخل در جنگ و مخاصمه مسلحانه نمی‌شود.

ایران به نمایندگی حسن تقی زاده نخستین شکایت مطرح شده در شورای امنیت را به طرفیت شوروی مبنی بر خروج فوری نیروهای اشغالگر از خاک ایران مطرح نمود. بر طبق اسناد به جا مانده از آن زمان، دولت شوروی در یک سلسله مکاتبات از مدت‌ها پیش در تکاپوی جدایی مناطق شمالی ایران بوده و رسماً در پانزدهم تیرماه سال ۱۳۲۴ خورشیدی در نامه نهم خود از سوی دفتر سیاسی کمیته حزب کمونیست فرمان سازماندهی اقدامات جهت ایجاد جنبش‌های جدایی خواهانه در ایالات شمالی ایران را صادر نموده بود. در این میان نیز دولت بریتانیا با حمایت از تجزیه مناطق شمالی ایران توسط شوروی، شرایط را برای احیای قرارداد ۱۹۰۷ و تجزیه مناطق جنوبی به نفع خویش آماده می‌ساخت. پس از این واقعه در طی ۴۸ ساعت سران ارتش ایران با وجود مقاومت‌های اندک در برخی مناطق، ناتوانی خود را ابراز نموده و اعلامیه ترک مقاومت صادر گردید. این در حالی است که چرچیل در خاطرات خود از امکان دفاع نیروهای ایران و غافلگیری آن‌ها در برابر جنگ سخن گفته بود و ابراز نموده بود که چنانچه مقاومتی از سوی ایران در جبهه جنوبی و گردنه پاتاق رخ می‌داد، قوای بریتانیا مدت نامحدودی زمین گیر می‌شد. اما پس از اعلامیه ترک مقاومت، بدنه ارتش از هم گسیخته و درمانده شد؛ به گونه‌ای که تنها در یک نمونه و بر طبق گزارش‌ها، لشکر مشهد پس از هجوم ارتش سرخ شوروی، همراه تمام تجهیزات موتوری و زرهی خود با چنان سرعتی اقدام به عقب نشینی نمود که جلودار این لشکر به بندرعباس رسید.

حال این واقعه تاریخی را می‌توان از منظر حقوق بین‌الملل مورد بررسی و بحث قرار داد و نگاهی داشت بر قواعد و مقررات داخل در اسناد عام بین‌المللی تا ابعاد جدیدی از این واقعه تلخ تاریخی را شاهد باشیم.

مفهوم اشغال در حقوق بین‌الملل

مفهوم اشغال در حقوق بین‌الملل بسیار کلی مطرح گشته بود؛ بدین علت که عناصر این وضعیت بین‌المللی به طور مشخص مورد اجماع نبود. در اسناد گوناگونی نیز به تبیین مفهوم اشغال پرداخته شده است. به عنوان مثال در بخش سوم از کنوانسیون‌های لاهه اشغال به معنای اقتدار و حاکمیت نظامی بر سرزمین یکی از طرفین مخاصمه می‌باشد. همچنین به موجب ماده ۴۲ کنوانسیون چهارم لاهه نیز زمانی یک سرزمین اشغال شده تصور می‌شود که اعمال حاکمیت نیروهای اشغالگر بر سرزمین تثبیت شده باشد.

همچنین در پیش‌نویس اعلامیه ۱۸۷۴ بروکسل-که یکی از مهم‌ترین اسناد در تدوین مفهوم اشغال می‌باشد- آمده است: «زمانی یک سرزمین اشغال شده در نظر گرفته می‌شود که نیروهای نظامی اشغالگر حاکمیت خود را بر سرزمین مورد اشغال اعمال نماید.» در واقع اشغال

حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات در مقاصد و اصول این سند بین‌المللی مورد اشاره قرار گرفته است. در بند دوم و سوم از ماده ۲ و همچنین در ماده ۱۴ این منشور نیز به اصول فوق مانند احترام به استقلال و تمامیت ارضی و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات اشاره گشته است.

نتیجه

مقوله اشغال و بی‌طرفی، هر کدام دارای حقوق و قواعد معینی در حقوق بین‌الملل می‌باشند و بر طبق این اصول و با توجه به حاکمیت مؤثر دولت وقت در کشور و همچنین با وجود اعلام بی‌طرفی از جانب دولت ایران، اشغال این کشور در نقض صریح و آشکار این قواعد صورت گرفته است و در اثر قحطی پدیدآمده ناشی از این اشغال غیرقانونی، حقوق بنیادین مردم ایران نیز همانند حق بر غذا و حق بر رفاه آنان دچار نقض آشکار گردید. همچنین حمایت از فرقه‌های تجزیه‌طلب و افرادی نظیر سید جعفر پیشه‌وری و قاضی محمد نیز گامی در جهت تثبیت حضور اشغالگران و اعمال کنترل ایشان بر ایران بوده است. در نهایت نیز دولت ایران با تصدی افرادی مانند حکیمی، قوام‌السلطنه و حسن تقی زاده به جنگ حقوقی این اشغالگران در شورای امنیت شتافت و با استناد به موادی مانند ماده ۱۴ منشور ملل متحد و البته اعمال سیاست از طریق مذاکرات و در پی انعقاد معاهداتی نظیر معاهده قوام-سادیکیف و وعده امتیاز نفت شمال در نهایت، نیروهای اشغالگر خاک ایران را ترک و جهان وارد ورطه جدیدی به نام جنگ سرد شد.

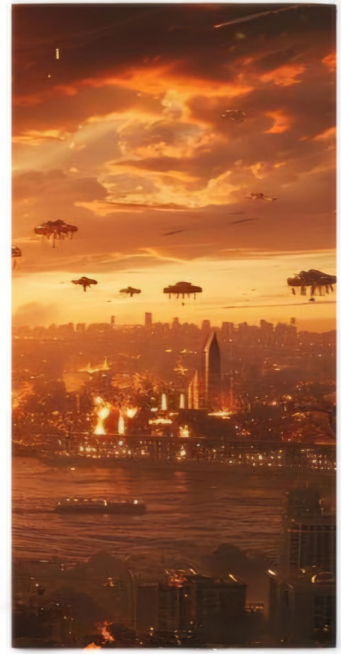
این نوع می‌باشد. در نهایت پنجمین و آخرین مورد از اصل بی‌طرفی تحت عنوان بی‌طرفی مسلحانه می‌باشد که بر مبنای اینگونه از بی‌طرفی، یک دولت با توجه به عواقب وخیم یک وضعیت جنگی، اعلام بی‌طرفی نموده و برای حراست از این بی‌طرفی و جلوگیری از تسری مخاصمات مسلحانه به مرزهای خود اقدام به مسلح نمودن و تجهیز خود می‌نماید. در نهایت ضمن اینکه همه موارد مذکور در روابط بین‌الملل دارای مثال‌های متعدد می‌باشد، باید عنوان نمود که این مسئله بی‌طرفی باید مورد احترام دولت‌های دیگر در وضعیت‌های گوناگون بین‌المللی نظیر مخاصمات مسلحانه قرار گیرد.

نگاهی بر میثاق جامعه ملل و منشور ملل متحد

صلح و امنیت بین‌المللی در میان اسناد مؤسس سازمان‌های بین‌المللی و سایر اسناد عالی حقوق بین‌الملل دارای جایگاهی ویژه است. در مقدمه میثاق جامعه ملل به بسط همکاری میان ممالک و تضمین صلح و امنیت بین‌المللی با پذیرش تعهداتی برای جلوگیری از جنگ و مخاصمات مسلحانه اشاره شده است. همچنین در ماده ۱۰ این میثاق، احترام به استقلال و تمامیت ارضی کشورها مورد تأکید قرار گرفته و بیان شده که کشورها باید در برابر هرگونه تجاوز خارجی به دفاع برخیزند. همچنین در مواد ۱۱ و ۱۲ میثاق نیز به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی برای جلوگیری از نقض صلح و امنیت بین‌المللی اشاره شده است. در منشور ملل متحد نیز حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و

فهرست منابع

- روضانی، روح الله، تاریخ سیاست خارجی ایران، ترجمه روح الله اسلامی، زینب پزشکیان، نشر نی، چاپ دوم، ۱۴۰۰، تهران.
- حق گو، جواد، تکاپوی انگلستان برای تجزیه ایران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ نخست، ۱۳۹۹، تهران.
- بیات، کاوه، فرامین تأسیس، اداره و انحلال حکومت فرقه دموکرات آذربایجان، نشر شیرازه، چاپ دوم، ۱۴۰۰، تهران.
- سمیعی، محمد، نبرد قدرت در ایران، نشر نی، چاپ پنجم، ۱۳۹۸، تهران.
- احمدی نژاد، مریم، امین الرعایا، یاسر، متاجی، محسن، تحول مفهومی اشغال از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر وضعیت اراضی غزه، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۰، شماره ۳، ۱۳۹۹.



بمباران بشریت (بررسی حمله اتمی ایالات متحده آمریکا به هیروشیما و ناگاساکی از منظر حقوق بین الملل و حقوق بشر)

نویسنده: علی کریمی یوشانلوئی
دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه علوم قضایی
و خدمات اداری



مقدمه

موارد استفاده جنگی از سلاح هسته‌ای در جهان است. پس از این دو بمباران، دولت امپراتوری ژاپن تسلیم بی‌قید و شرط را پذیرفت و جنگ جهانی دوم پایان یافت. عملیات اول در تاریخ دوشنبه، ساعت ۸ و ۱۵ دقیقه روز ۶ اوت ۱۹۴۵ به وقت محلی در شهر هیروشیما انجام گرفت. بمب اتمی اول به نام پسر کوچک توسط بمب‌افکن روی هیروشیما انداخته شد. برای تأثیر تخریبی بیشتر، بمب به نحوی تنظیم شده بود که ۵۷۶ متر بالای سطح زمین منفجر شود. انرژی تولیدشده توسط این بمب، برابر با انرژی حاصل از ۱۶ هزار تن تی‌ان‌تی بود. فعل و انفعالات اتمی در مرکز این بمب باعث گرمایی حدود چندین میلیون درجه سانتی‌گراد شد. این گرمای عظیم هر چیزی را تا شعاع یک و نیم کیلومتری مرکز اصابت بمب به طور کلی ذوب کرد. مردمی که از دوردست انفجار این بمب را در آسمان

بمباران اتمی شهرهای هیروشیما و ناگاساکی به ترتیب ۶ و ۹ اوت ۱۹۴۵ به وقت ژاپن، دو عملیات اتمی بودند که در زمان جنگ جهانی دوم به دستور هری ترومن رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا، علیه امپراتوری ژاپن انجام گرفتند. در این دو عملیات، دو بمب اتمی به فاصله ۳ روز روی شهرهای هیروشیما و ناگاساکی انداخته شد که باعث ویرانی و کشتار گسترده شهروندان این دو شهر گردید. نزدیک به ۲۲۰،۰۰۰ نفر در اثر این دو بمباران اتمی جان باختند که شامل ۲۰۰،۰۰۰ نظامی ژاپنی و بقیه را شهروندان غیرنظامی تشکیل می‌دادند. بیش از ۱۰۰،۰۰۰ نفر بلافاصله هنگام بمباران کشته شدند و بقیه تا پایان سال ۱۹۴۵ بر اثر تأثیرات مخرب تشعشعات رادیواکتیو، جان خود را از دست دادند. بمباران هسته‌ای هیروشیما و ناگاساکی تا به امروز تنها

ناظر بر ایجاد مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای که این ممنوعیت قابل احراز است ولی کاملاً جزئی و محدود بوده و جنبه منطقه‌ای داشته و در موارد دیگری مثل معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی و موافقت‌نامه‌های دوجانبه میان کشورهای دارنده سلاح‌های هسته‌ای در خصوص تحدید و کنترل تسلیحات، به مسئله کاربرد پرداخته نشده و حتی در برخی از موارد دیگر، مثل معاهده ممنوعیت جامع آزمایشات هسته‌ای، این معاهده اصولاً لازم‌الاجرا نشده است. به هر ترتیب استفاده از سلاح‌های اتمی، در واقع فارغ از اینکه در نقض آشکار حقوق بشر و حقوق بشردوستانه می‌باشد که از جمله قواعد آمره حقوق بین‌الملل هستند، باعث بر هم زدن نظم بین‌المللی نیز خواهد شد. به عبارت دیگر، استفاده از این سلاح می‌تواند جمعیت غیرنظامی را نیز مورد آسیب جدی قرار داده و همچنین محیط زیست افراد را برای دهه‌های متمادی آلوده سازد.

اگر بخواهیم حقوق بشر را به صورت موردی در این مسئله مورد بررسی قرار دهیم، در ابتدا مواجه می‌شویم با بنیادی‌ترین حق از حقوق بشر که تحت عنوان حق بر حیات از آن یاد می‌شود. در قضیه حمله اتمی به شهرهای هیروشیما و ناگاساکی در ژاپن و کشتار بی‌رحمانه حدود دویست هزار نفر از غیرنظامیان ساکن در این دو شهر، موجبات نقض آشکار حق بر حیات این مردمان محسوب می‌شود. مورد بعد، در باب تبعات این واقعه که برای مدت‌های طولانی باعث بروز بیماری‌ها و نقص‌های ژنتیکی در بین افراد در این شهرها گردیده و باعث تولد نوزادها با نقایص مادرزادی و شیوع بیماری‌های دیگری نظیر سرطان می‌شود. همچنین مواد رادیواکتیو حاصل از این انفجارهای اتمی می‌تواند از طریق تأثیرات منفی بر پوشش گیاهی و جانوری این مناطق بر آب و غذای مورد استفاده این مردمان نیز تأثیر گذاشته و موجبات بروز بیمار را مهیا سازد و بدین علت می‌توان آن را مصداق بارزی بر نقض مصادیق دیگری از حقوق بشر یعنی حق بر سلامت و همچنین حق بر آب و غذای سالم و نیز حق بر محیط زیست سالم دانست که متوجه ساکنان این شهرها شده است. در اعلامیه جهانی حقوق بشر، در ماده دوم آمده است که همگی افراد، فارغ از حیث نژاد و مذهب و جنسیت و ملیت دارای حقوق هستند و حقوق ایشان باید مورد احترام و التزام قرار گیرد. همچنین در ماده ۲۵ از این اعلامیه، به حق بر سلامت و همچنین حق بر آب و غذا و محیط زیست سالم اشاره شده است. همچنین در معاهده چهارم از جمله معاهدات چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹ مربوط به حمایت از غیرنظامیان و در ماده نخست این سند حقوقی، بر لزوم احترام به حقوق بنیادین افراد غیرنظامی در همه احوال از جانب دول متعاقد اشاره و تأکید گشته است. همچنین در ماده سیزدهم از این معاهده، بر عدم تبعیض نسبت به اجرای این اصول از حیث نژاد، مذهب، ملیت و جنسیت تأکید شده است. از جمله اسنادی که می‌توان در باب اهمیت موضوع مورد بررسی به آن استناد نمود، میثاق

هیروشیما مشاهده کردند، می‌گفتند که خورشید دیگری را در آسمان دیده‌اند. دو سوم ساختمان‌های هیروشیما از جمله کارخانه‌های فولادسازی و صنعتی چون میتسوبیشی در اثر این بمباران نابود شدند. تنها چیزی که از شهر باقی‌ماند، ساختمان تالار ترویج صنعتی استانی هیروشیما بود که انفجار، بالای گنبد این بنا رخ می‌دهد و به خاطر قرار گرفتن در کانون مرکزی انفجار، کاملاً ویران نشد.

دو روز پس از بمباران هیروشیما و برخلاف انتظار آمریکا، دولت شوروی به امپراتوری ژاپن اعلان جنگ داد و نیروهای ارتش سرخ شوروی به مواضع ژاپن در منچوری یورش بردند. ورود شوروی به جبهه اقیانوس آرام، باعث شد که دولت آمریکا مصمم شود هرچه سریع‌تر جنگ را به نفع خود و بدون مشارکت شوروی خاتمه دهد. در این راستا، استفاده بیشتر از سلاح هسته‌ای، ساده‌ترین راه فشار بر ژاپن بود و نیروهای مسلح آمریکا برای استفاده مجدد از بمب هسته‌ای نیازی به مجوز جدید دولت نداشتند؛ زیرا مجوزی که ترومن برای حمله اتمی صادر کرده بود، اجازه استفاده از بمب‌های جدید را صادر کرده بود و بدین ترتیب در تاریخ پنجشنبه ساعت ۲ و ۴۷ دقیقه صبح ۹ اوت ۱۹۴۵ میلادی، بمب دیگری به نام مرد چاق به روی شهر ناگاساکی انداخته شد.

حال این اقدام را می‌توان از منظر حقوق بشر و اسناد موضوع حقوق بشری مورد بررسی قرار داد. در این راستا می‌توان به اسناد متعددی نظیر منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو استناد نمود.

کاربرد سلاح‌های هسته‌ای

سلاح هسته‌ای به عنوان آخرین دستاورد تکنولوژیک بشر در حوزه تسلیحات، مخرب‌ترین ابزار نظامی ساخته بشر است. شدت اثرات ناشی از کاربرد آن حتی قابل قیاس با سایر سلاح‌های کشتار جمعی نیست. آثار غیر قابل کنترل و فوق‌العاده مهیب این سلاح‌ها دیوان بین‌المللی دادگستری را در رأی مشورتی ۱۹۹۶ (در خصوص ممنوعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای)، به این نتیجه رهنمون ساخت که اثرات کاربرد سلاح‌های هسته‌ای در زمان و مکان ننگجیده و کاربرد آن‌ها می‌تواند حیات انسانی، تمدن بشری و کل زیست‌بوم (اکوسیستم) را به نابودی بکشاند. تجربه تاریخی نیز خود گویای این واقعیت است. تلفات بسیار بالای ناشی از کاربرد سلاح‌های هسته‌ای در هیروشیما و ناگازاکی و تولد نوزادهای ناقص‌الخلقه در طول این شصت و چندسال حاکی از عمق فاجعه است.

در طول این دوران، با گسترش اینگونه سلاح‌ها انتظار می‌رفت که جامعه بین‌المللی درصدد اقدامی برای جلوگیری و قاعده‌مندی این تکنولوژی و جرم‌انگاری جرایم مربوط به آن باشد اما تاکنون اقدام جمعی صورت نگرفته است. با این وجود، برخی از ممنوعیت‌های نسبی و مختصر در این حوزه به تدریج به وجود آمد. مثل معاهدات

جامعه ملل می‌باشد که سند مؤسس جامعه ملل به عنوان نخستین سازمان بین‌المللی با صلاحیت جهانی است که در پی شکست و خروج قدرت‌های بزرگ آن زمان از سازمان مذکور، موجبات بروز جنگ بین‌الملل دوم فراهم آمد. در مقدمه این میثاق، بر احترام قواعد حقوق بین‌الملل و پذیرش تعهداتی برای جلوگیری از بروز جنگ و همکاری بین‌المللی در جهت ایجاد و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و برقراری روابط بین‌الملل بر اساس عدالت اشاره شده است.

در نهایت، پس از پایان جنگ دوم جهانی و در پی کنفرانس‌های متعدد نظیر کنفرانس یالتا، کنفرانس تهران و کنفرانس سانفرانسیسکو، قدرت‌های متفق پیروز در جنگ بر لزوم ایجاد سازمان بین‌المللی جدیدی با صلاحیت جهانی تفاهم نمودند که همان سازمان ملل متحد می‌باشد و در این راستا می‌توان به منشور ملل متحد نیز که به عنوان سند مؤسس سازمان ملل متحد تعیین شده

است و اصول منعکس در این سند حقوقی اشاره نمود. در مقدمه این منشور، مؤسسين این سازمان متذکر شده‌اند که هدف از تشکیل این سازمان، جلوگیری از بروز یک جنگ خانمان‌سوز دیگر می‌باشد. بنابراین مهم‌ترین هدف و غایت از تشکیل و تاسیس سازمان ملل متحد، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد و برای حصول این هدف در مواد متعددی از این منشور به خصوص در مواد اول و دوم، به رعایت صلح و امنیت بین‌المللی و اصولی چون همکاری بین‌المللی و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات اشاره شده است. در نهایت امروزه می‌توان استفاده از سلاح‌های اتمی را جنایت بین‌المللی دانسته و موجبات مسئولیت بین‌المللی دولت خاطی را که در قضیه مذکور، دولت ایالات متحده آمریکا می‌باشد، استنباط نمود. این جنایت بین‌المللی می‌تواند جنبه کیفری داشته و در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نیز قرار گیرد.

فهرست منابع

- سلیمی ترکمانی، حجت، جرم‌انکاری کاربرد سلاح‌های هسته‌ای در چارچوب حقوق بین‌الملل بشر محور در حال ظهور، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱، سال ۱۳۹۱
- منشور ملل متحد مصوب ۱۹۴۵
- میثاق جامعه ملل مصوب ۱۹۱۹
- اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸
- معاهده چهارم ژنو مربوط به حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ مصوب ۱۹۴۹



راه رجاء بسته نیست! (به مناسبت سالروز شهادت رئیس جمهور و نخست وزیر انقلابی، شهیدان رجایی و باهنر)

نویسنده: امیرمهدی محمدی

دانشجوی کارشناسی علوم قضایی دانشگاه علوم قضایی
و خدمات اداری



آموخته بودند که رمز موفقیت بر بحران‌ها با حداقل امکانات، مجاهدانه کارکردن است؛ ایشان در ایام منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی نیز از اعضای اصلی کمیته استقبال از امام خمینی (قدس سره) بودند و با وجود شرایط نامساعد امنیتی، توانستند با ساماندهی تیمی در «مدرسه راه» مقدمات ورود امام را آماده سازند؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز ایشان با وجود مشکلات متعدد کشور، در منصب وزارت آموزش و پرورش، نخست‌وزیری و سپس ریاست جمهوری پیرو همین الگو بودند. دوست و یار نزدیک شهید رجایی، شهید دکتر باهنر نیز قبل از پیروزی انقلاب و با وجود محدودیت‌های بسیار شدید، با اتکا به الگوی فعالیت جهادی در راه‌اندازی و اداره چندین مرکز فرهنگی غیرانتفاعی از جمله «کانون توحید»، «دفتر نشر فرهنگ اسلامی» و «مدرسه راه»، که پیش‌تر بدان اشاره شد، نقش بی‌بدیلی داشتند؛ همچنین ایشان جزو اولین کسانی بودند که پیش از پیروزی انقلاب، به تألیف کتب درسی بر مبنای تعلیمات

یکی از نوآوری‌های انقلاب اسلامی، پیش‌کشیدن ارزش‌های فرهنگی و زمینه‌های اعتقادی در الگوهای مدیریتی کلان است که تجربه‌ای جدید در این حیطه به شمار می‌رود؛ هرچند که ممکن است کاستی‌هایی در این زمینه وجود داشته باشد ولی به برکت این گفتمان جدید، مسئولان و مدیران پاک‌دستی پا به عرصه گذاشته‌اند که در بسیاری از مواقع حساس و نفس‌گیر، با حداقل امکانات توانسته‌اند گره‌گشای بسیاری از مشکلات اساسی باشند. مهم‌ترین زمینه‌ها و ارزش‌های فرهنگی که توسط رهبرانقلاب به عنوان شاخصه‌های اصلی مدیر تراز نظام اسلامی مطرح شده‌اند را می‌توان در سه کلیدواژه فعالیت مجاهدانه، ساده‌زیستی و مردمی‌بودن خلاصه کرد.

بی‌شک شهیدان رجایی و باهنر که هفته دولت به مناسبت شهادت ایشان نام‌گذاری شده است، از مسئولینی بوده‌اند که الگوی مدیریتی آن‌ها بر مبنای جهادی کارکردن ساخته شده بود. شهید رجایی در دوران مبارزات انقلاب به خوبی

دینی اهتمام داشتند؛ تجربه‌های ارزشمند ایشان در این زمینه، سبب شد تا پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بتوانند در مناصبی هم‌چون وزارت آموزش و پرورش و نخست‌وزیری، به ایفای نقش بپردازند؛ اما افسوس که دست جنایتکار منافقین بیش از این، اجازه نداد تا این دو شهید بزرگوار به خدمات ارزنده خود ادامه دهند و سرانجام شهیدان رجایی و باهنر در حادثه انفجار دفتر نخست‌وزیری به دست عوامل منافقین به شهادت رسیدند. البته در عصر حاضر نیز، مسئولینی از این دست سراغ داریم که مجاهدانه کارکردن را الگوی خود در امر مدیریت قرار داده باشند. مصداق بارز آن، شهید آیت‌الله‌رئیدی است که اکثریت ما، ایشان را مسئولی پرتلاش و خستگی‌ناپذیر می‌شناسیم؛ سفرهای متعدد استانی، دیدارهای مستمر با اقشار مختلف مردم، دغدغه‌مند بودن و ساده‌زیستی صفاتی است که این شهید بزرگوار را به معیارهای مسئول تراز نظام اسلامی نزدیک می‌سازد.

از شاخصه‌های دیگر این دو شهید بزرگوار، ساده‌زیستی و مردمی بودن است. شهید رجایی در دوره نخست‌وزیری بسیار مقید بودند تا محل کارشان ساده و دور از تجمل‌طلبی باشد، همچنین نقل شده است که می‌گویند ایشان در همان دوره، وعده‌های غذایی را در محل کار صرف می‌کردند و اصرار داشتند که غذایشان همان غذایی باشد که کارکنان‌شان نیز می‌خورند. علاوه بر اهتمام ایشان به ساده‌زیستی، ایشان با وجود خطر نیروهای ضد انقلاب، همچنان در بین مردم حاضر می‌شدند و حتی در نمازهای جماعت نیز شرکت می‌کردند. شهید باهنر نیز جلسات متعددی با دانشجویان داشتند و هرگاه از دانشگاه‌های مختلف کشور، از ایشان برای سخنرانی دعوت می‌کردند با روی باز می‌پذیرفتند، بی‌شک فعالیت‌های فرهنگی و مراوده ایشان با نسل جوان، تأثیری شگرف در روی آوردن جوانان به ارزش‌های اسلامی در دوران قبل و بعد از پیروزی انقلاب داشت. روایت جالبی نیز از شهید رجایی نقل شده است که می‌گویند در دوران

نخست‌وزیری ایشان، مردی که گره مشکلاتش را از جانب ایشان می‌دید، با داد و فریاد وارد دفتر نخست‌وزیری شده و هنگامی که شهید رجایی برای اطلاع از موضوع بیرون آمده، این مرد یقۀ شهید را گرفته و گفته است که فرق الان با قبل از انقلاب چیست که وضع اینطور است؟ شهید رجایی نیز باطمینان پاسخ داده که «چطور الان با قبل از انقلاب فرقی ندارد؟ آیا در آن دوران می‌توانستی به راحتی وارد دفتر نخست‌وزیری بشوی و یقۀ هویدا را بگیری؟»

متأسفانه در عصر حاضر، برخی مدیران، چندان به الگوها و شیوه‌های مدیریتی که پیش‌تر به آن‌ها پرداخته شد، پایبند نیستند. برخی فقط در هنگام انتخابات سراغ مردم را می‌گیرند و برخی نیز گرفتار جناح‌بندی‌های سیاسی و منافع حزبی شده‌اند و فقط وقتی پای کار هستند که دولت یا مجلس مطلوب‌شان بر سرکار بیاید؛ البته نمی‌توان این مطلب را انکار کرد که عوامل اثرگذار در مسائل داخلی و بین‌المللی، ممکن است الگوهای مدیریتی را در برهه‌هایی از زمان دچار تغییر کند، همچنین اختلاف نظر مدیران اجرایی و سیاستمداران نیز امری طبیعی است اما دامن زدن به این اختلافات آن هم در تصمیمات سرنوشت‌ساز مملکت و نیز وابسته ساختن خود به منافع حزبی، دور از منطق نظام اسلامی می‌باشد.

در نهایت باید گفت که هرچند دسیسۀ منافقین، خدمات شهیدان رجایی و باهنر را ناتمام گذاشت اما اقدامات و سیرۀ این شهیدان می‌تواند الگو و گفتمانی نو، در پیش‌روی مسئولین فعلی ما قرار دهد، سابقه نیز نشان داده که نظام جمهوری اسلامی هیچ‌گاه از وجود مدیرانی این‌چنین، خالی نمی‌ماند. مصداق بارز این امر در عصر حاضر، مسئولینی هستند که صادقانه خدمت می‌کنند و پای کار نظام اسلامی هستند؛ شاهد این ادعا، شهدایی همچون آیت‌الله رئیدی، آیت‌الله آل‌هاشم، دکتر امیرعبداللهیان و دکتر مالک رحمتی‌اند که نشان دادند هنوز هم راه رجا بسته نیست.





دادستان انقلاب (به مناسبت سالروز شهادت آیت الله علی قدوسی به دست منافقین کوردل)

نویسنده: احسان اسماعیلی
دانشجوی کارشناسی علوم قضایی دانشگاه علوم قضایی
و خدمات اداری



مردم انقلابی سعی داشت نظام نوپای اسلامی را از میان بردارد. منافقین همچنین با ترور مسئولان رده بالای نظام می‌خواستند مردم را از آینده انقلاب اسلامی ناامید کنند. یکی از مسئولینی که قربانی گروهک تروریستی منافقین شد، شهید آیت‌الله علی قدوسی - دادستان کل انقلاب اسلامی - بود.

آیت‌الله علی قدوسی در ۱۲ مرداد ۱۳۰۶ هجری شمسی در شهرستان نهاوند در خانواده‌ای روحانی متولد شد و پس از طی دروس ابتدایی در سال ۱۳۲۱ وارد حوزه علمیه شد.

شهید قدوسی با آغاز فعالیت فدائیان اسلام به صف مبارزین این گروه پیوست و در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت در مخالفت با حزب توده فعالیت زیادی داشت؛ اما پس از پیروزی کودتای آمریکایی-انگلیسی، از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۱، مشغول تکمیل دروس حوزوی شد و به درجه اجتهاد دست یافت. پس از ماجرای کاپیتولاسیون در ۴ آبان ۱۳۴۳ و دستگیری و تبعید امام خمینی (ره) به ترکیه، جامعه

شنبه ۱۴ شهریور ۱۳۶۰ ساعت ۳۰/۲۰، این لحظه درست همان لحظه‌ای است که صدای غرشی مهیب دفتر دادستان کل انقلاب اسلامی را به لرزه انداخت. دود و غبار سینه سیاه شب را شکافت. صدای آژیرها از دور نزدیک می‌شد. مجروحین بی پناه ضجه می‌زدند. شهر از هول این واقعه منجمد شد. چه کسی چنین جنایتی را مرتکب شده بود؟ هدف آن‌ها چه بود؟ چطور کسی نفهمیده بود؟ این سؤالات سخت‌تر از امواج آن انفجار بر سراسر شهر لرزه انداخت. اما آنچه که مردم را به پرسیدن این سؤالات سوق می‌داد خبری بود که آن‌ها را به یاد ۸ شهریور و ۷ تیر همان سال انداخت؛ آیت‌الله علی قدوسی دادستان کل انقلاب اسلامی به دست عامل نفوذی منافقین به شهادت رسید.

گروهک تروریستی منافقین که از روزهای ابتدایی انقلاب مسیری متضاد با مردم ایران را برگزید، پس از خرداد ۱۳۶۰ با عملیات‌های تروریستی متعدد و کشتار وسیع

مُدرسین با اعتراض شدید، اعلامیه‌ها و نشریات مخفیانه‌ای را منتشر کرد. برخوردهای شدید حکومت با هواداران امام، تعدادی از شاگردان را به تشکیل گروهی مخفی از مُدرسین و اساتید حوزه ترغیب نمود. این گروه مخفی به بهانه بررسی و اصلاح امور حوزه تشکیل جلسه می‌داد، ولی در حقیقت به طراحی مبارزه با رژیم شاه می‌پرداخت. اما پس از کشف این جمعیت در سال ۱۳۴۴ از سوی ساواک، تمام روحانیونی که در آن عضو بودند از جمله شهید قدوسی دستگیر و به زندان قزل قلعه منتقل شدند. پس از آزادی، یکی از فصول درخشان زندگی شهید قدوسی یعنی تأسیس مدرسه حقانی رقم خورد که با همیاری جمعی از اساتید و با محوریت شهید آیت الله دکتر بهشتی انجام گرفت. شهید قدوسی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از اعضای فعال کمیته استقبال از امام خمینی (ره) بود و به فرمان امام مأموریت پیدا کرد تا در دادگاه‌های انقلاب حضور یافته و متصدی مقام قضاوت شود؛ پس از گذشت چند ماه یعنی در تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۵۸ طی حکمی توسط امام خمینی (ره) به سمت دادستانی کل کشور منصوب شد.

«بسم الله الرحمن الرحيم»

جناب مستطاب حجت‌الاسلام شیخ علی قدوسی
دامت افاضاته

بدین وسیله جنابعالی به سمت دادستانی کل انقلاب اسلامی در سطح کشور منصوب می‌شوید که از این تاریخ در کارهای دادستانی اقدام و شروع به کار نمایید؛ و در هر حال احتیاط را کاملاً مراعات فرمایید. از خدای تعالی ادامه توفیقات جنابعالی را خواستارم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
روح الله الموسوی الخمينی»

از اصلی‌ترین فعالیت‌های شهید قدوسی پس از انتصاب به سمت دادستانی کل کشور، مبارزه با گروهک‌های مسلح، منافقین و ضد انقلاب بود. او به همراه افرادی، چون شهید آیت‌الله دکتر بهشتی و شهید لاجوردی توانست اقدامات مؤثری در سرکوب جریان‌های ایجاد شده از سوی منافقین و ضد انقلاب انجام دهد. از جمله اقدامات شهید قدوسی در سرکوب منافقین و ضد انقلاب، انتشار اطلاعیه‌ای در ۱۹ فروردین ۱۳۶۰ بود. این اطلاعیه شامل ۱۰ ماده بود که با امضای شخص آیت‌الله قدوسی منتشر گردید. بر اساس مفاد این اطلاعیه، انتشار روزنامه بدون مجوز وزارت ارشاد، انجام میتینگ‌های غیر قانونی و بدون مجوز وزارت کشور، مسلح بودن احزاب و گروه‌های مسلح غیر رسمی و... ممنوع اعلام شد. از مفاد دیگر این اطلاعیه، تسلیم اسلحه‌های بدون مجوز در دست گروهک‌های ضد انقلاب و منافقین به دولت بود. بعد از این اطلاعیه، مقاومت سازمان منافقین در تحویل سلاح باعث شد به مرور نقاب از چهره پلید آنان فرو افتد.

سرانجام در ۱۴ خرداد ۱۳۶۰ پس از آخرین اخطار شهید قدوسی به منافقین مبنی بر تحویل سلاح به دولت و ممانعت آن‌ها، اقدام نظامی برای خلع سلاح منافقین صورت گرفت. طی این اقدام منافقین تصمیم به جنگ مسلحانه گرفتند.

فهرست منابع

- صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۹، ص ۲۶۴
- صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۱۵، ص ۱۷۳ و ۱۷۴



بازخوانی یک ترور (گزارشی از نشست بررسی ابعاد حقوقی - سیاسی ترور شهید اسماعیل هنیه و تاثیر آن بر تحولات منطقه)

معاونت مطالبه‌گری و گفت‌وگوسازی (سیاسی) حوزه بسیج دانشجویی دانشگاه
علوم قضایی و خدمات اداری



با حضور
دکتر هیبت الله نژندی منش (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه
طباطبائی)، دکتر علی عبدی (کارشناس و پژوهشگر حوزه فلسطین)،
دکتر عبدالحسین صفایی (عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد)، دکتر امیر
بی‌پروا (پژوهشگر و مدرس دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری)



دکتر نژندی منش

س: جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند نسبت به جنایت صورت گرفته در ترور آقای هنیه پاسخ دهد؟

ج: دو سناریو و به تبع آن دو مسیر حقوق بین‌المللی در رابطه با این ترور مطرح بود. اول اینکه این ترور به صورت حمله نظامی هوایی توسط رژیم صهیونیستی صورت گرفته باشد و دوم اینکه این حمله به صورت تروریستی توسط افرادی که رژیم صهیونیستی گماشته صورت گیرد که با توجه به اعلام رسمی مقامات ایران، سناریوی دوم رخ داده است. در مورد اول، امکان‌های بین‌المللی جدی‌تری چون دفاع مشروع پیش روی ایران بود چون مخاصمه مسلحانه موضوع ماده ۵۱ منشور ملل متحد صورت می‌گیرد.

س: اقدام رژیم صهیونیستی در ترور شهید هنیه را در ابعاد حقوق بین‌المللی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج: اقدامات تروریستی زنجیره‌واره رژیم صهیونیستی در چارچوب یک مخاصمه مسلحانه هم قابلیت توجیه حقوق بین‌المللی ندارد زیرا یک مخاصمه مسلحانه به صورت ملی و بین‌المللی در جریان نبوده است. همچنین طبق مواد منشور ملل متحد، نقض حاکمیت جمهوری اسلامی صورت گرفته و این اقدام، حاکمیت سیاسی و استقلال سیاسی و تمامیت سرزمینی ما را مورد خدشه قرار داده است. این اقدام را من «اقدام تروریستی تحت حمایت دولت» می‌دانم یعنی اقدام مسلحانه‌ای که توسط گماشتگان یک دولت صورت گیرد ولی به حد مخاصمه مسلحانه نرسد.

س: آیا این اقدام رژیم صهیونیستی می‌تواند حقی برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کند که به اعمال قدرت مسلحانه علیه رژیم صهیونیستی متوسل شود؟

ج: این مورد به تنهایی نمی‌تواند اسباب اعمال زور مسلحانه در قالب دفاع مشروع علیه رژیم صهیونیستی را فراهم آورد. اما این تنها موردی نیست که ما با آن مواجه هستیم و باید زنجیره‌ای از اقدامات مسلحانه تروریستی که این رژیم علیه اشخاص، امکان، تاسیسات و زیرساخت‌های اساسی کشورمان صورت داده، در نظر بگیریم که به نظر، این زنجیره و مجموعه در حکم مخاصمه مسلحانه موضوع ماده ۵۱ منشور ملل متحد است مانند همان کاری ایالات متحده آمریکا در واکنش به اقدامات ۱۱ سپتامبر انجام داد و ناتو معتقد بود که اگر مشخص شود این اقدامات تروریستی یک منشا خارجی دارد، برای توسل به دفاع مشروع کفایت می‌کند.



دکتر عبدی

س: هدف رژیم صهیونیستی در ترور آقای اسماعیل هنیه در خاک ایران را چه می‌دانید؟

ج: وجه تفاوت این اقدام با ترورهای قبلی (دانشمندان هسته‌ای) علیه ایران، این است که اسرائیل دست به ترور شخصیتی غیر ایرانی و از رهبران مقاومت در قلب تهران زد و هدفش صرفاً ارسال پیام قدرت نبود بلکه هدفش هتک آبروی ایران به عنوان محور مقاومت و بازی با حیثیت داخلی و خارجی ایران بود.

س: وضعیت اسرائیل پس از عملیات طوفان الاقصی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج: جنایتکاری تروریسم دولتی اسرائیل و عبور از حقوق بین‌الملل و ردالت آن امری ست که بر همگان آشکار است. رژیم صهیونیستی پس از شکستن هیمنه‌اش در طوفان الاقصی، با فعالیت جدی در دو ساحت نظامی و اطلاعاتی به دنبال بازسازی خود است.

س: مزیت نسبی جبهه مقاومت نسبت به رژیم صهیونیستی چیست؟

ج: در عرصه نظامی، اسرائیل پس از ده ماه جنایت در غزه به اهدافش نرسیده است اما باید آورده‌ای برای افکار عمومی در سرزمین‌های اشغالی داشته باشد که شکست‌های نظامی خود را جبران کند. اسرائیل سعی کرده با استفاده از توانایی خود در عرصه اطلاعاتی، دست به سلسله ترورهایی بزند که از شهید رضی تا شهید هنیه، افراد مهم و تاثیرگذاری را از جبهه مقاومت ترور کرده است.

س: برای ایجاد بازدارندگی در مقابل رژیم صهیونیستی باید چه اقداماتی را در دستور کار قرار داد؟

ج: در پاسخ به جنایت اسرائیل، باید در کنار قدرت نظامی، پیوستگی هم وجود داشته باشد. همچنین در عرصه داخلی نیز باید به اقناع افکار عمومی و لزوم پاسخ دهی به جنایات رژیم صهیونیستی پرداخته شود.



دکتر صفایی

س: ماهیت حقوقی اقدامات رژیم صهیونیستی در ترور آقای هنیه و علیه مردم غزه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج: تروری صورت گرفته است و باید توجه کرد ترور به چه کسی مسترد شده است. مطابق ماده ۲۶ میثاق حقوق مدنی سیاسی، سلب حیات از بشر ممنوع است. این ترور همچنین از جایگاه مأمور سیاسی و کنوانسیون‌های مختلف در موضوع احترام به حقوق مأمورین دیپلماتیک قابل بررسی است. آقای اسماعیل هنیه مأمور دیپلماتیک گروه حماس بوده است. حماس به لحاظ حقوق دیپلماتیک تحت حمایت کنوانسیون ۱۹۴۸ است و دیوان بین‌المللی دادگستری ۳ بار دستور موقتی لازم‌الاتباع مبنی بر اینکه مردم غزه و گروه حماس نباید تحت هیچگونه شکنجه، گرسنگی، تحریم و... قرار گیرند، صادر کرده است. اما جنایت صورت گرفته از سوی اسرائیل، عملاً نسل‌زدایی و نقض این دستورات است.

س: ماهیت حقوقی ترور آقای هنیه توسط رژیم صهیونیستی در خاک ایران و حق ایران در اقدام متقابل چیست؟

ج: این ترور در سرزمین کشور دیگری انجام شده است که استقلال سیاسی این کشور را زیر سوال می‌برد. براساس قطعنامه‌های ۱۰۶۱، ۱۲۶۹ و ۱۹۹۹ سازمان ملل متحد، در مبارزه با چنین تهدیداتی بایستی با همه امکاناتی که منطبق با منشور سازمان ملل متحد است، اقدام صورت بگیرد. رای مشورتی دیوان و آی سی جی و جامعه جهانی نهادهایی هستند که پشتوانه حقوق بین‌المللی کیفری در قبال این مسئله پیش آمده هستند و می‌توان با استناد به هر یک از آنها مطالبه حق کرد.



دکتر بی‌پرو

س: ماهیت ترور آقای هنیه و اقدامات مشابه توسط اسرائیل و مسئولیت ناشی از این اقدامات برای این رژیم چیست؟

ج: پدیده ترور به صورت کلی در حقوق بین‌الملل، نقض حقوق بشر در ابعاد مختلف است. اولین حق بنیادینی که نقض می‌شود حق بر حیات است. در بعد دیگر چون

عملیات تروریستی در خاک ایران انجام شده، حاکمیت و تمامیت سرزمینی ایران نقض شده است. رژیم صهیونیستی در زمینه ترور سابقه پررنگی دارد که می‌توان به ماجرای آیشن در آرژانتین و ترور خلیل الوزیر در تونس اشاره کرد که این ترور ها ناقض ماده ۲ منشور ملل متحدند و از این باب، رژیم صهیونیستی دارای مسئولیت بین‌المللی است.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ
ملت عزیز ایران!

رهبر شجاع و مجاهد برجسته‌ی فلسطینی جناب آقای اسماعیل هنیه در سحرگاه دیشب به لقاءالله پیوست و جبهه‌ی عظیم مقاومت عزادار شد. رژیم صهیونی جنایتکار و تروریست، میهمان عزیز ما را در خانه‌ی ما به شهادت رسانید و ما را داغدار کرد، ولی زمین‌هی مجازاتی سخت برای خود را نیز فراهم ساخت.

شهید هنیه سالها جان گرمی‌اش را در میدان مبارزه‌ئی شرافتمندانه بر سردست گرفته و آماده‌ی شهادت بود، و فرزندان و کسان خود را در این راه تقدیم کرده بود. او از شهید شدن در راه خدا و نجات بندگان خدا باک نداشت، ولی ما در این حادثه‌ی تلخ و سخت که در حریم جمهوری اسلامی اتفاق افتاده است، خونخواهی او را وظیفه‌ی خود می‌دانیم.

اینجانب به امت اسلامی، به جبهه مقاومت، به ملت شجاع و سرافراز فلسطین و بالخصوص به خاندان و بازماندگان شهید هنیه و یکی از همراهانش که با وی به شهادت رسیده است، تسلیت عرض می‌کنم و علو درجات آنان را از خداوند متعال مسألت می‌نمایم.

سیدعلی خامنه‌ای

۱۰ مرداد ۱۴۰۳ مصادف با ۲۵ محرم ۱۴۴۶

